



درآمد:

فرمانده سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در این گفتار کوتاه می‌گوید تا گوشه‌ای از خاطرات خود را با بابایی برایمان بازگو کند. از منش و بزرگواری او گرفته تا مدیریت‌اش در هنگام سختی‌ها.

پای صحبت‌های سرلشگر پاسدار،
رحیم صفوی درباره سرلشگر خلبان عباس بابایی

امیر ارتش حزب الله...

شهید بابایی در سازماندهی نیروهای ارتش نقش عظیمی داشت. شاید وجود فرمانده شهید امیر سرلشگر ستاری به عنوان فرماندهی نیروی هوایی ارتش نیز موثر بود ولی در کنار شهید بابایی یعنی شهید بابایی و شهید ستاری هر دو یک نقش کلیدی داشتند. اگر چه دوستان عزیز شهید بابایی همچون سرلشگر مصطفی اردستانی و دیگر شهدای ارتش نیز در این رابطه نقش بسزایی داشتند همچنین بزرگوارانی که الحمدالله تعداد زیادی از آنها امروز در قید حیات هستند و در مقامات بالایی همچون فرماندهی نیروی هوایی ارتش همچون سرتیپ خلبان پردیس و نیز امیر بقایی در حال خدمت هستند.

انصافاً این عزیزان در کنار این شهدای عزیز در نگهداری نیروی هوایی در آن زمان که همه قطعات و سیستم‌ها می‌از خارج پشتیبانی می‌شد، نقش اساسی داشتند و امثال افراد مومنی چون امیر سرلشگر بابایی بودند که توانستند نیروی هوایی ارتش را سر پا نگهدارند و ضربات قاطع و محکمی را بر قلب ارتش بعثی در عملیات‌ها بزنند.

من خودم شاهد فداکاری‌های این عزیزان در عملیات‌های مختلف بودم و از خداوند منان می‌خواهم که این شهیدان را با شهدای کربلا و امام شهدا (ره) محشور گرداند و یاد و خاطره این شهیدان همواره در قلب بسیجیان و بر قلب پاسداران و ارتزبان جاودانه باشد.

موجودی زمینی که آسمانی فکر می‌کرد

ظہر یک روز شهید بابایی آمد قرارگاه تا به اتفاق هم برای نماز جماعت به مسجد قرارگاه برویم. ایشان موی سر خود را چون سربازان تراشیده و لباسی خاکی بسیجی پوشیده بود، وقتی وارد مسجد شدیم به ایشان اصرار کردم به صف اول نماز برویم ولی ایشان قبول نکرد و در همان میان ماندیم، چرا که ایشان همیشه سعی می‌کرد ناشناخته بماند.

در نماز هم یک حالت خاصی داشت. مخصوصاً در قنوت. در برگشت از نماز رفتیم برای نهار، اتفاقاً نهار آن روز کنسرو بود و سفره ساده‌ای پهن کرده بودند. ایشان صبر کرد و آخر از همه شروع به غذا خوردن کرد. وی آنچنان رفتار می‌کرد که کسی پی نمی‌برد که با فرمانده عملیات نیروی هوایی ارتش، عباس بابایی روبرو است. بیشتر وانمود می‌کرد که یک بسیجی است. انشالله خداوند همه ما را وفادار به آرمان شهدا گرداند و ما را در راه دفاع از ملت و کشور قرار دهد. حقیقتاً شهید بابایی شناخته نشده، امیدواریم که با تلاش دوستان قسمتی از عمق دریای عرفان و عمق زحمات ایشان در ۸ سال دفاع مقدس برای نسل‌های آتی شناخته شود. ■

مستقل عملیات‌های بزرگی چون فاو، کربلای ۵ و عملیات‌های دیگر را انجام می‌داد. شهید بابایی برای طرح ریزی پشتیبانی‌های هوایی و اینکه چه عملیاتی در چند ماه آینده خواهیم داشت و منطقه عملیاتی کجاست و مشخصات آن چیست، کمک‌های شایانی به ما کرد و چون به علت اجرای اصل غافلگیری و برای اینکه بتوانیم ضربات محکمی را در این عملیات‌ها به دشمن وارد کنیم نیاز به پشتیبانی هوایی داشتیم ایشان زحمات زیادی را در انتخاب خلبان‌ها و تیم پروازی و همچنین در حین عملیات در تخلیه مجروحین متقبل شد.

عاشق امام حسین (ع)

ارتباط ما با سرلشگر شهید بابایی یک ارتباط تنگاتنگ و بسیار صمیمانه بود. روزها و شب‌ها به قرارگاه فرماندهی می‌آمد و ما معمولاً با هم در یکجا بودیم و ایشان همیشه سعی می‌کرد با لباس بدون درجه بیاید یعنی لباس ساده بسیجی. وقتی هم می‌آمد همان جا راحت روی زمین می‌خوابید و استراحت می‌کرد و مثل

■ ■ ■

سرلشگر بابایی یک بسیجی بود یا یک روحیه بسیجی. با بسیجیان و پاسداران فرقی نداشت. هر کسی که ایشان را از نزدیک می‌دید فکر نمی‌کرد یک خلبان باشد، رفتار، خلق و خو و لباس پوشیدن ایشان بیشتر به یک بسیجی و یا یک پاسدار شباهت داشت.

همه ما از همان غذاهای ساده قرارگاه استفاده می‌نمود. روحیات او واقعاً یک روحیه سرشار از عشق به حضرت اباعبدالله الحسین (ع) بود. هر ساله در منزلشان واقع در قزوین مراسم می‌گرفت و پدر بزرگوارشان (رحمت الله علیه) مراسم تعزیه خوانی برگزار می‌کرد.

یک سال توفیق داشتیم با دعوت ایشان به مراسم آنها برویم. حقیقتاً بنده بسیار تحت تأثیر آثار گرفتیم. گاهی اوقات وقتی ما در قرارگاه زیارت عاشورا می‌خواندیم، فصل‌هایی از زیارت عاشور را خود ایشان با صدای بسیار زیبا تلاوت می‌کرد و اشک می‌ریخت. واقعاً این امیر ارتش اسلام عاشق حسین (ع) بود.

نقش کلیدی در نیروی هوایی

اعتقاد من این است که سرلشگر خلبان عباس بابایی فرمانده‌ای مومن و شجاع بود که نقش ایشان در نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران یک نقش برجسته و بی‌نظیر جلوه می‌کند بخصوص در عملیات‌ها و در بعد سازماندهی و آمادگی‌های عملیاتی نیروی هوایی ارتش.

بدون تردید شهید بابایی می‌تواند یک الگو و اسوه برای افسران جوان ارتش جمهوری اسلامی ایران باشد چرا که دارای مجموعه خصوصیات همچون دین باوری، انقلابی بودن، تخصص و فداکاری در راه استقلال و عظمت و تمامیت ارضی ایران بود و این خصوصیات می‌تواند یک افسر مومن برای ارتش جمهوری اسلامی ایران بسازد.

سرلشگر بابایی یک بسیجی بود با یک روحیه بسیجی. با بسیجیان و پاسداران فرقی نداشت. هر کسی که ایشان را از نزدیک می‌دید فکر نمی‌کرد یک خلبان باشد، رفتار، خلق و خو و لباس پوشیدن ایشان بیشتر به یک بسیجی و یا یک پاسدار شباهت داشت ما واقعاً شهید بابایی را در سلوک، رفتار، اخلاص، عاطفه و عشق به امام و ولایت همچون یک بسیجی می‌دیدیم. قلب سلیم و نورانی سرلشگر شهید عباس بابایی به حقیقت یک عالم روشن بود و به این خاطر این زرق و برق دنیا مقام و موقعیت والای ایشان در نیروی هوایی ارتش هیچ تأثیری در رفتار، ایمان، تواضع و فروتنی ایشان نسبت به درجه‌داران و افسران نداشت، زیرا چشم حقیقت بین ایشان به حقایق آن عالم روشن شده بود.

از نظر من او نمونه یک امیر ارتش حزب‌الله و از افتخارات نیروی هوایی ارتش است.

اینجانب از روزهای اول انقلاب با این افسر مومن، متقی و انقلابی آشنا شدم. زمانی که ما در سال اول انقلاب کمیته دفاع شهری و بعد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در استان اصفهان تشکیل دادیم ایشان افسر پایگاه هشتم شکاری بودند و بعدها به فرماندهی آن پایگاه منصوب گردیدند. در آن موقعیت بنده به عنوان فرمانده عملیات سپاه استان اصفهان با ایشان یک ارتباط تنگاتنگ و صمیمی برقرار کرده بودم؛ به طوری که نسبت به یکدیگر شناخت دو طرفه پیدا کردیم و همان شناخت و روابط صمیمانه از اوایل پیروزی انقلاب باعث شد که هم آن بزرگوار و هم ما در ۸ سال دفاع مقدس حضور داشته باشیم.

در مورد چگونگی پشتیبانی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی و عملیات‌های بزرگی چون فتح المبین، بیت المقدس که به صورت مشترک بین ارتش و سپاه انجام می‌شد و از یک قرارگاه مشترک عملیاتی برخوردار بودند چه فرماندهی مشترک، این عملیات‌ها را اداره می‌کرد و چه بعدها که سپاه به صورت